

بسم الله الرحمن الرحيم: **قطرهی ۸۶** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشکسالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله - نقد سخنان دکتر روحانی در باره نقد امام معصوم، به همراه کلماتی چند از سید حسن اقا میری در انکار نمودن و منتفی بودن حکم قصاص در این زمان مقدمه در فیلم منتشرشده از جناب آقای دکتر حسن روحانی ایشان فرمودند: ما در کشور معصوم نداریم مگر اینکه یکوقت امام دوازدهم اگر ظهور کرد آن وقت هم می‌شود نقد کرد. پیغمبر هم اجازه نقد می‌داد دیگه بالاتر از پیغمبر که در تاریخ نداریم. وقتی پیغمبر یک صحبتی می‌کرد یک نفر بلند می‌شد، روپرتوی پیغمبر می‌گفت: آ من الله أَمْ مُنْكِ؟ این حرفی که میزئی نظر خودت است یا خدا وحی کرده است؟ اگر می‌گفت «من الله» که هیچ امر خداست اما اگر می‌گفت «منی» طرف مقابل انتقاد میکرد می‌گفت قبول ندارم و نقد می‌کرد. ما در زمان حکومت معصوم هم نقد را داریم- ضمن تشکر از جناب آقای دکتر حسن روحانی که باب جدیدی را در نشر معارف شیعی باز نمودند ما هم طبق فرمایشات شما اقدام به نقد همین سخنان می‌کنیم تا بتوانیم از این طریق به مسیر صحیح رهنمون گردیم:

۱- سؤال: در کجا تاریخ آمده است که کسی به رسول الله عرض نموده باشد: ام من الله ام منک (این سخن از طرف خداست و یا از طرف تو) و بعد رسول گرامی اسلام فرموده باشد منی؟ ما در جریان نزول عذاب بر آن شخص بعد از غدیر خم در تاریخ داریم که گفت ولایت علی ع از طرف خداست و یا از طرف تو و پیامبر فرمودند از طرف خدا و بعد آن شخص که قبول نکرد عذاب نازل شد درshan نزول سال سائل بعد عذاب

۲- اگر قرار باشد هر آنچه که در زمان رسول گرامی اسلام ص در منظر رسول الله توسط هر شخصی انجام گرفته باشد برای ما ملاک عمل باشد، خوب در زمان رسول الله ص بسیاری هم به پیامبر ص توهین می‌کردد و اتفاقاً از صحابه هم بودند، خوب در این صورت ما باید جواز توهین به پیامبر را هم صادر کنیم آیا از طرف یک مسلمان این مطلب قابل قبول است؟

۳- اگر این سؤال از جانب مخاطبین پیامبر ص پذیرفته باشد که کسی سؤال کند که این مطلب را که میگویی از جانب خداست و یا از جانب خودت، امروز بندۀ در مقابل تمامی احادیث شیعه و سنی این سؤال را قرار می‌دهم که این سخن رسول الله ص از طرف خدا بوده و یا از طرف خود رسول الله ص بوده است و تا اثبات نشود حدیث از جانب خدا بوده است آن را نمی‌پذیرم، سؤال: آیا عالمی هست که بتواند اثبات نماید که تمامی احادیث رسول الله از جانب خدا بوده و ما مأمور به پذیرش آن هستیم و اگر با دلیل عام قرآنی اثبات شود که کلام رسول الله از جانب خداست و واجب التبعیت است آیا دیگر جای این دارد که ما اجازه دهیم که کلام رسول خدا را نقد کنیم و این سؤال را مطرح نماییم که کلام رسول خدا من الله است و یا از جانب رسول الله ص است؟

۴- شیعه و سنی قول رسول الله را واجب التبعیت می‌دانند، یعنی حدیث را واجب التبعیت می‌دانند، پس این تئوری که می‌توان در کلام رسول الله خدشه وارد کرد و آن کلام را نقد کرد مربوط به چه تکری است؟ ما در بین مسلمانان چنین چیزی را سابقه نداریم، اگر رسول الله چیزی بیان داشتند باید قبول کرده و عمل نماییم، حتی خوارج هم قول پیامبر ص را حجت می‌دانند و اجازه نقد نمی‌دهند.

۵- نقد یک شخصیت چه زمانی صورت می‌گیرد؟ زمانی که احتمال دهیم او اشتباه و قول و یا فرمان او اشتباه و یا ضعیف می‌باشد، سؤال این است آیا کسی می‌تواند احتمال دهد کلام و یا فعل پیامبر اشتباه است و یا در میان امت کسی وجود دارد که بهتر از او ص سخن گوید و بهتر از او ص عمل نماید؟

۶- اگر ما احتمال دهیم پیامبر اشتباه می‌کند اجازه داریم او را نقد نماییم، آیا احتمال اشتباه در کلام پیامبر ص پیامبر بودن خدا را زیر سؤال نمی‌برد؟ اگر احتمال اشتباه وجود دارد دیگر پیامبر خدا نیست، اگر کسی در ادعای پیامبر بودن پیامبر نقد وارد کند چه باید کرد؟ اگر کسی هم معجزه را دلیل بر نبوت بیاورد و او جواب دهد معجزه نبوده است بلکه از قدرت بالای روح و نفس پیامبر ص بوده است چه باید گفت؟ و این مطلب را گفته‌اند.

۷- لا اگر احتمال اشتباه در پیامبر اسلام ص وجود دارد، در همه چیزی که از پیامبر به ما رسیده است احتمال اشتباه وجود دارد و یکی از چیزهایی که از وجود نازنین پیامبر به ما رسیده است قرآن است، سؤال کننده همان احتمال را در مورد قرآن مطرح می‌نماید و می‌گوید من نقد دارم در مورد قرآن: او می‌گوید محمد ص آن را آورده و بعد گفته از جانب خداست من به دلایل مختلف میگوییم شاید از طرف خدا نباشد، آن وقت با این ترتیب قرآن زیر سؤال نمی‌رود؟

۸- فرضی یک نفر در زمان جاهلیت در معرض رسول خدا گفته باشد: آ من الله ام منک، سؤال این است من چرا بیایم آن عرب جاهلی را که مطمئناً انسان نادان و جاهلی است را ملاک خود قرار دهم؟ چرا در بین صحابه رسول الله کسانی را ملاک قرار ندهم حتی در محضر رسول الله ص ایشان بلند نمی‌شد؟ آیا عمل صحابه برای ما حجت است؟ آیا هر عملی که در زمان پیامبر خدا ص انجام شده برای ما حجت می‌باشد؟ خوب بعضی هم دندان پیامبر ص را شکستند.

۹- اگر کسی در امت اسلام پیدا شود که بتواند رسول خدا را نقد نماید و حرفی درست‌تر از رسول خدا ص بزند چرا رسول خدا ص واجب التبعیه باشد؟ چرا آن شخص دیگر بالاتر نباشد؟ چرا ما از رسول خدا تبعیت نماییم؟

۱۰- فرض کنیم ما اجازه نقد پیامبر ص را داشته باشیم: اگر پیامبر را نقد کردیم و پیامبر جواب داد ولی ما قانع نشدم در اینجا تکلیف چیست؟ آیا منجر به انکار رسول الله ص نمی‌شود؟

۱۱- فرض کنیم پیامبر مطلبی فرمودند و شخص سؤال کرد: ا من الله ام منک (آیا از طرف خدا است و یا خود شما)، بعد پیامبر فرمود منی (از طرف خودم است) آیا در اینجا قول پیامبر باید تبعیت شود و یا ما باید آن کلام را مورد برسی قرار دهیم؟ اگر بخواهیم و بررسی کنیم و بعد قبول ننماییم در اینجا مخالف قرآن عمل ننموده‌ایم؟ چرا که قرآن ما را به تبعیت بی‌چون و چرا و بدون برسی از رسول بررسی از خدا دعوت می‌نماید و آیات زیادی در اینجا وجود دارد: مانند اطیعوا الله و اطیعوا الرسول- فَلَا وَرَبَّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوكُ فَيَمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيَسِّلُوا تَسْلِيمًا- مَا ضَلَّ صَاحِبِكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطَقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَمَةٌ شَدِيدُ الْفُوْيِ-

۱۲- در بین تمامی ادیان الهی اثبات شده است که وقتی پیامبر شان چیزی فرمود واجب التبعیه می‌باشد و هیچ‌کدام از ادیان الهی نگفته‌اند ما زمانی قول پیامبر را قبول می‌کنیم که از طرف خدا باشد و اگر از طرف خدا نبود باید بررسی کنیم.

۱۳

فرض کنیم پیامبر خدا کلامی را فرمودند و بعد کسی سؤال کرد آمن الله ام منک و بعد پیامبر خدا فرمودند منی، این کلام از جانب خود من می باشد، بعد بین پیامبر و آن شخص بحث شد و بحث بنتیجه ماند و بنده که نظاره کننده هستم و نفهمیدم حق با چه کسی است، در اینجا باید چه کنم؟  
 ۱۴ اگر کلام آقای روحانی درست باشد که ما معصوم نداریم و همه را باید نقد کرد، سؤال من کنیم، آیا همین کلام شما را می توان نقد نمود؟ جواب مثبت است، لذا ما این کلام را نقد می کنیم و نتیجه می گیریم که بعضی از کلمات را می توان نقد کرد که دارای معصوم داریم، مگر اینکه آقای روحانی خود را معصوم بداند، که در این صورت نمیتوان نقد نمود و واجب التبعیت است که در این صورت باز هم باید نقد کنیم چون میفرمایند معصوم هم باید نقد شود.  
 ۱۵ آقای روحانی فرمودند ما در جامعه معصوم نداریم و همه را باید نقد کرد مگر جایی که کلام من الله باشد: با این معیار آیا تمامی فقهاء و مجتهدین زیر سؤال نمی روند، چرا که ما در مقابل تمامی رساله های مراجع همین سؤال را قرار می دهیم، این رساله را معصوم نوشته است؟ جواب منفی است، پس می توان تمامی رساله ها را نقد نمود و باب تقلید از علماء را تعطیل نمود، با همین منوال می توان کلام تمامی علماء را نیز تعطیل نمود.

۱۶ اگر تنها کلام معصوم واجب التبعیه باشد یعنی تنها کلام خدا و اهل بیت ع، لازمه این حرف این است که در این جامعه از کلام هیچ کس نباید تبعیت کنیم، چرا که در این جامعه ما معصوم نداریم و کلام همه باید نقد شود و آنچه دیده ایم در بین گفتمان بین آئینه ها و اهل توحید، گفتمان بین مسیحیت و یهود و اسلام، گفتمان بین فرق مختلف اسلام، گفتمان بین آئینه های ایران و بین تمامی گفتمان ها تا کنون هیچ کاه به نتیجه نرسیده اند، لذا در وضعیت کنونی جامعه نیز نمی توانیم به عمل و راه مشخصی بررسیم و باید در بی تکلیفی بمانیم، مضافاً بر اینکه اگر بتوان در هنگام ظهور نیز امام معصوم را نقد نماییم در آن زمان نیز نمی توانیم به نتیجه بررسیم و در بی تکلیفی همیشه باقی می مانیم.

۱۷ اگر همه چیز را می توان نقد نمود حتی معصوم را سؤال می کنیم چرا خدا استثناء باشد، خوب خدا را هم می توان نقد کرد کما اینکه ابليس فرمان خدا را نقد کرد و کشف نمود که خدا اشتباہ می کند که خدا فرمان داده است به آدم سجده کند و ابليس به کلام خودش عمل نمود و گفت خدا اشتباہ میکند.

۱۸ اگر همه چیز را می توان نقد نمود حتی امام معصوم را سؤال می کنیم چرا قرآن را نقد نکنیم، شاید ما کتابی بهتر از قرآن را برای زندگی این زمان توانستیم پیدا کنیم، کما اینکه خیلی اقدام به این مطلب نمودند متن زیر کلمات حسن آقا میری است که ایشان از منبری های خانم ابتکار معاون جناب آقای دکتر روحانی هستند و از این دست مطالب بسیار دارند- متن سخنان: قصاص با فطرت نمی سازه، همه میگن (قصاص) نکنیم؛ چون این نسخه مال تو نیست. (این نسخه برای زمان پیامبر بوده، نه الان)... تو این جامعه، بخشش واجبه. تو قاتل نشو تو تخته از زیر پای کسی نکش در جامعه بخشش حیاته. آمدند بعد از پیامبر چی کار کردند؟ نظم این قرآن را بهم زدند، یعنی ما نمی دانیم قرآن از کجا شروع کرده است، کجا ختم کرده است، نمی دانیم نسخه ای اویل چیست؟ نسخه دوم چیست نسخه سوم چیست نسخه چهارم چیست؟ توضیحات پیامبر از بین رفته است، شأن نزولها هم از بین رفته است گفت

لکل مقال مقام، هر صحبتی جایی دارد اگر صحبت را در جای خودش ندانیم اصلاً نمی توانیم بهمین، فهم نمی شود. بابا یک قرآنی درست شده است این قرآنی که دست ماست، بني امية و بني عباس پانصد سال با این حکومت کردند، آن قرآنی که حضرت امیر جمع کرد که بدرد کسی نمی خورد، چون نمی شد با آن لفت و لیس کنی، نمی شد با آن از گردهی مردم بار بکشی، نمی شد هوی و هوس را باهاش خالی کنی، آن قرآن واقعاً به درد کسی غیر علی نمی خورد و کسی که می خواهد راه علی را برود. آن قرآن که نمی شود از ش سو استفاده کرد، برای همین گفتند: ما آن را نمی خواهیم. برداشتم نظم آیات را بهم زدیم، شماره صفحه ها را هم پاک کردیم، شماره نسخه ها را هم پاک کردیم، نمی دانیم مرحله ی چند است می گوید و فی القصاص حیات خب راست می گوید و

فی القصاص حیات کی؟ کجا؟ در کدام جامعه؟ در کدام کاری برای تقرب به پروردگار انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، برادری که عملش مردود شده برایشان بگو هنگامی که هر کدام کاری برای تقرب به خدا سوگند تو را خواهم کشت برادر دیگر گفت من چه گناهی دارم زیرا خدا تنها از پرهیزگاران می پذیرد اگر تو دست را دراز بکنی برای اینکه مرا بکشی ما انا ببساط یهی الیک، من دست دراز نمی کنم برای کشتن تو، چرا که من نمی خواهم قاتل بشو. حاج آقا خود قران گفته است، عزیزم این را کجا گفته است؟ علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می گوید قصاص، حیات است برای جامعه منحط برای جامعه ای که کفران نعمت می کند برای آن جامعه که در مقابل یک نفر صد نفر را می کشد حیات است اما جامعه ای که با مکارم اخلاق رشد کرده است قطعاً در آن جامعه باید بخشید، فقط باید بخشید، چرا؟ چون تو قاتل نشو، هابیل به قabil گفت من قاتل بشو نیستم و لو تو مرا بکشی من قاتل نخواهم شد من نمی خواهم قاتل باشم فقط باید بخشید علامه طباطبائی المیزان می گوید تو جامعه منحط، جامعه ای که کف دره است، برای یک نفر صد نفر را می کشد در آن جامعه قصاص حیات است،

جامعه ای که پای روپه ایمام حسین بزرگ شده است امام حسینی که حر زبان باز نکرده است، حر را بخشیده است، جامعه ای که پای این حسین گریه کرده است، در این جامعه که قصاص حیات است، خب تو می شوی قاتل که در این جامعه بخشش حیات است، بخشش واجب است، بخشش قصاص است. آن نسخه ای که پیغمبر داد مال جامعه ای داد که قاتل بودند، مال آن هایی که صد تا را می کشتند، نه برای خودش، می گوییم: بابا قرآن است، ولی این آیه مال کجا آمده است؟ مال کدام جامعه؟ کدام مرحله است؟ از وسط داستان یک چیزی را گرفتیم یک نسخه ای از وسط این برگه ها برداشتم بدون شماره صفحه بدون اینکه در مرحله چند است. بعد می گوییم: آقا آیه قرآن است دیگر. خب آیه قرآن توضیح دارد، آیه قرآن تفسیر دارد، آیه قرآن شان نزول دارد، آیه قرآن توضیح پیامبر باهаш است، اگر نباشد چی؟ نباشد نمی توانیم بگوییم حکم خداست، باید احتیاط کنی، نمی توانی عمل کنی بهش، این نسخه مال تو نبوده که

توبی که صحیفه سجادیه داری، توبی که ابو حمزه ثمالی می خوانی، توبی که کمیل می خوانی تویی که مخاطب این آیه تویی، مخاطب تو نیستی، نمی توانی این هستی، این حکم مال تو نیست، ولی چون بهم زدیم داستان قرآن را، معلوم نیست، فکر می کنیم مخاطب این آیه تویی، مخاطب تو نیستی، نمی توانی این جوری باشی - چون توضیحات پیامبر نیست، چون نظمش بهم خورده است، چون از اهل بیت جدا شده است، شده ابزار دست داعش که به اسم این آدم بکشد، مگر قصاص نیست، خب نمی سازد با فطرت، همه می گویند: نکنیم این کار را. چون این نسخه مال تویی نیست که روپه خوان امام حسین هستی امام حسین، شمر روی سینه اش نشسته بود با چکمه، امام حسین بهش می گوید به مادرم فاطمه شفاعت می کنم، پاشو برو، نمی گوید دست خشک شود، خانم زینب آن بابا را نفرینش نمی کند.- با ضمن پوزش ما نقد این مطالب در ضمن چند سخنرانی و ویژه نامه انجام داده ایم.